



ضیاءالدین دری: «وقتی بیش از ۵۰ قسمت هر قسمتش دو، سه دقیقه حذف شود در کل ۲۰۰ دقیقه می‌شود که زیاد است. اما چاره‌ای نیست. با حذفاتی که در مورد کلاه پهلوی انجام شد، در نهایت حدود ۱۵ درصد کار آسیب دید و برای کاری نظیر کلاه پهلوی تا حدودی قابل تامل و تحمل است»

فراز و نشیب‌های ساخت «کلاه پهلوی» از زبان مرحوم ضیاءالدین دری

«کلاه پهلوی» در آینده مرجع می‌شود



«کلاه پهلوی» آخرین ساخته مرحوم سید ضیاءالدین دری بود. اثری که هم در زمان ساخت به واسطه طولانی شدن فرآیند ساخت و هم در زمان نمایش به واسطه برخی انتقادات درگیر حاشیه‌هایی شد. دری در گفت‌وگوهای متعددی در ارتباط با این اثر سعی کرده در ارتباط با فراز و نشیب‌های ساخت این اثر نمایشی و همچنین برخی حواشی پیش آمده برای آن توضیح بدهد. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از گفت‌وگوهای او در دوره‌های مختلف درباره سریال «کلاه پهلوی» است.

«کلاه پهلوی» ادای دین بود

سیدضیاءالدین دری در یکی از گفت‌وگوهای خود درباره چگونگی شکل‌گیری ایده ساخت این سریال گفت: «فکر نوشتن کلاه پهلوی از سال ۶۱ به ذهنم خطور کرد. سال ۶۵ کتاب کلاه پهلوی را در نسخه سینمایی نوشته و منتشر کردم. اما به دلیل آن‌که آن زمان حال و روز سینما از نظر منابع مالی خوب نبود، داستان را به صورت سریال به تلویزیون آوردم. کلاه پهلوی چون به تاریخ معاصر و زمان کشف حجاب توسط رضاخان مربوط می‌شد، ظرفیت گسترش داستان را داشت. این شد که سریال ۵۴ قسمتی کلاه پهلوی با صرف ده سال زمان ساخته شد. این سریال از جمله ساخته‌های تاریخی تلویزیون است که بسیار مظلوم واقع شد و هر کسی از ظن خود درباره آن قضاوت کرد. طیف نخست، سلطنت‌طلب‌ها بودند که از کشف حجاب رضاخانی حمایت کردند و هنوز هم طرفدار بی‌حجابی زنان هستند. غافل از این‌که آن اقدام با چوب و چماق همراه بود. طیف دوم، دگراندیشان خروج کرده از حاکمیت بودند که با ژست روشنفکری خواهان کم‌رنگ شدن مظاهر اسلامی مانند حجاب بودند و حجاب را با عدالت اجتماعی در منافات می‌دانستند. طیف سوم هم خود را جلوتر از علمای اسلامی می‌دیدند. این افراد بیشتر حزبی عمل می‌کردند و درصدد مچ‌گیری از سریال و حتی قطع پخش آن از تلویزیون بودند. به هر حال با سانسور تقریباً ۳۰ دقیقه از کل داستان، سریال کلاه پهلوی مردم را به دهه‌های اول تا سوم شمسی برد و با بخشی از تاریخ معاصر آشنا کرد. با کلاه پهلوی احساس

می‌کنم وظیفه خود را در قبال انقلاب، امام، ایران، مادر و تمام زنان کشورم ادا کرده‌ام.»

چرا کلاه پهلوی درگیر حاشیه شد؟

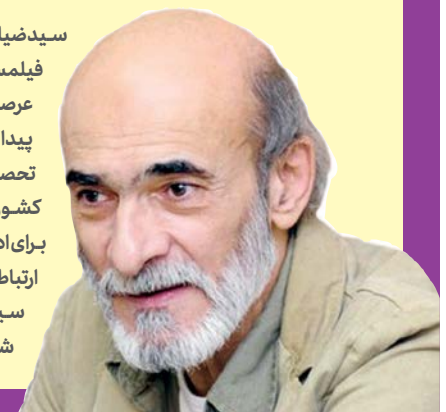
مرحوم دری در گفت‌وگویی در ارتباط با این‌که چرا موفقیت‌های کیف انگلیسی برای کلاه پهلوی تکرار نشد؛ می‌گوید: «درباره کلاه پهلوی هم باید این موفقیت تکرار می‌شد اما فضا سازی رسانه‌ای که ضد کلاه پهلوی از سوی هر دو جناح سیاسی کشور شکل گرفت، عجیب بود. هفته ششم، هفتم از سوی روزنامه‌های اصولگرا برای مصاحبه دعوت شدیم. انتشار روزنامه تازه چند ماه بود که آغاز شده بود و در آن صحبت‌های خیلی جدی و تخصصی‌ای هم درباره سریال مطرح شد. اصلاً هم این‌طور نبود که بخواهیم زیر بغل

انقلاب و نظام هندوانه بگذاریم. همان موقع آقای قوچانی قراری با من گذاشته بود تا به بهانه سریال با ماهنامه مهرنامه مصاحبه کنم. ایشان پس از این ماجرا سراغی از ما نگرفت. بعضی رسانه‌ها جور رسانه‌ای بی‌سابقه‌ای علیه سریال درست کرده بودند تا تظاهر کنند این کار زمین خورده طوری که قوچانی هم کنار کشید، درحالی که مردم کار را دوست داشتند و دنبال می‌کردند. از چند دانشگاه با من تماس گرفتند از جمله تهران و شریف تا برای بحث درباره سریال بروم ولی جاز نکردند. یک سال پس از پخش کلاه پهلوی دو جوان در جشنواره فیلم فجر جلو آمدند و سلام و علیک کردند و گفتند ما همان‌هایی هستیم که سال ۹۱ با شما برای آمدن به دانشگاه تماس گرفتیم، گفتیم بله ولی چرا دیگر پی‌ماجرار را نگرفتید؟ گفتند متأسفانه دانشگاه اجازه نداد.»

مروری بر کارنامه هنری مرحوم سیدضیاءالدین دری

یک عمر علیه استعمار

سیدضیاءالدین دری را به جرات می‌توان یکی از هدفمندترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران دانست؛ فیلمسازی که شاید در عرصه سینما به فروش‌های بالا و رکوردشکنی در گیشه دست پیدا نکرد، اما با یک آرمان مشخص و برای تحقق آنچه به بهانه‌اش تحصیلات خود را در کشاکش پیروزی انقلاب اسلامی در خارج از کشور رها کرد و به ایران آمد، گام برمی‌داشت. او که از اواخر سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته بود و مشغول خواندن علوم ارتباطات شد، اما وقتی تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل در رشته سینما به آمریکا برود، مقارن با سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی شد و در نهایت تصمیم گرفت به ایران بازگردد.



دری که کار حرفه‌ای در سینما را با دستیاری کارگردان فیلم «گرداب» به کارگردانی حسین دوانی در سال ۶۱ آغاز کرده بود با ساخت فیلم سینمایی «صاعقه» در سال ۱۳۶۳ به جمع کارگردانان سینما پیوست. او تا پایان این دهه تجربه حضور در تلویزیون را هم پیدا کرد و با حضور به عنوان یکی از سه کارگردان مجموعه تلویزیونی «کمند خاطرات» در کنار هوشنگ پاکروان و حسین خندان خود را به عنوان یک کارگردان تلویزیونی نیز مطرح کرد.

هر چند او در سال‌های بعدی فیلم‌هایی همچون دیدار در غبار (۱۳۷۰)، باد و شقایق (۱۳۷۶)، سینماست (۱۳۷۶)، لژیون (۱۳۷۷)، عشق ممنوع (۱۳۸۴) و من و دیورا (۱۳۸۵) را به کارنامه کاری خود افزود؛ اما اوج شهرت سیدضیاءالدین دری با ساخت مجموعه‌های تلویزیونی پر مخاطبی

همچون «کیف انگلیسی» و «کلاه پهلوی» رقم خورد. او در دهه ۷۰ با ساخت سریال تلویزیونی کیف انگلیسی باب جدیدی از ساخت سریال‌های تاریخی - سیاسی در تلویزیون کشورمان باز کرد. اثری تاریخی که در دهه ۱۳۲۰ روایت می‌شد. دورانی که یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی ایران محسوب می‌شد و تحولات بسیاری از جمله پایان یافتن جنگ دوم جهانی و سقوط رضا شاه و تقابل طیف‌های مختلف ملی، مذهبی و مارکسیستی در آن برهه برجسته‌تر از دوره‌های قبل از خود بود.

داستان این مجموعه درباره فردی به نام منصور ادیبان [با بازی علی مصفا] است که تحصیل کرده رشته حقوق در فرانسه است، پس از شکست در رقابت‌های انتخاباتی مجلس با حمایت «مستانه» دختری از طبقه رجال (با بازی لیلا حاتمی) در انتخابات